

ما در افغانستان شکست خواهیم خورد

يك تحليلگر آمريكايي با بي هدف خواندن جنگ در افغانستان و ابراز ترديد نسبت به پيروي در آن، تنها راه شكست گروههاي تروريستي را منزوي كردن آنها در ميان جوامع خودشان دانست...

يك تحليلگر آمريكايي با بي هدف خواندن جنگ در افغانستان و ابراز ترديد نسبت به پيروي در آن، تنها راه شكست گروههاي تروريستي را منزوي كردن آنها در ميان جوامع خودشان دانست.

به گزارش فارس، پایگاه خبری تحلیلی خانه شفاف سازی اطلاعات در مقاله‌ای به قلم "کریس هدگر" با عنوان "جنگ بی هدف" به تحلیل جنگ نیروهای ناتو در افغانستان پرداخته است. هدگر با بیان اینکه القاعده نمی‌تواند نسبت به آنچه ما در افغانستان انجام می‌دهیم بی تفاوت باشد، می‌نویسد: ما می‌توانیم روستاهای افغانستان را بمباران کنیم، در ولایت هلمند در جست و جوی طالبان باشیم، یک ارتش قدرتمند 100 هزار نفری از داوطلبان افغانی تشکیل دهیم، با بی‌تفاوتی نظاره‌گر اعدام‌صدها و یا شاید هزاران زندانی طالبان توسط فرماندهان نظامی افغانستان باشیم، پایگاه‌های عظیم و پیچیده نظامی برپا کنیم و هواپیماهای بدون سرنشین خود را برای بمباران پاکستان بر فراز آسمان‌ها بفرستیم. اما فرقی نمی‌کند، این جنگ سبب توقف حملات آنها نخواهد شد.

براساس این مقاله گروه‌های تروریستی و شورشی نیروهای معمولی نیستند: آنها کار خود را با قوانین جنگی که فرماندهان ما در دانشگاه‌های عالی جنگ و آکادمی‌های نظامی آموخته‌اند، پیش نمی‌برند. این گروه‌های زیرزمینی ثابت نیستند. با تغییر رنگ و شکل خود از ولایتی به ولایت دیگر نقل مکان می‌کنند، یک حمله دیگر طرح‌ریزی می‌کنند و در پناهگاه‌های خود پراکنده می‌شوند. ما با ابزارهایی غلط با آنها می‌جنگیم. ما با مردمانی غلط در جنگیم. ما در سویی نادرست تاریخ حرکت می‌کنیم. ما در افغانستان شکست خواهیم خورد همانطور که در عراق شکست خواهیم خورد.

نویسنده با یادآوری افزایش روز افزون هزینه جنگ افغانستان و کشته یا زخمی شدن ده‌ها هزار شهروند غیر نظامی افغان تاکید می‌کند: ماه جولای برای نظامیان ناتو با برچای گذاشتن دست کم 50 کشته، مرگ بارترین ماه در طول این جنگ بوده است که در میان کشته شدگان نام 26 نظامی آمریکایی دیده می‌شود. این در حالی است که بمب‌های کنار جاده‌ای و حمله به نیروهای ائتلاف بر شمار کشته شدگان و زخمیان می‌افزاید. چنانکه در ماه ژوئن به دنبال انفجار بمب‌های کنار جاده‌ای موسوم به آی.ای.دی (وسایل دست‌ساز انفجاری) در چهارمین ماه پیاپی شمار کشته شدگان 736 نفر اعلام شد. حال آنکه این تعداد در ماه مارس 361 در ماه آوریل 407 و در ماه می 465 نفر بوده است. دستور اعزام 21 هزار نظامی آمریکایی دیگر از سوی باراک اوباما مجموع نظامیان حاضر در افغانستان را به 57 هزار نفر رسانده است و پیش‌بینی می‌شود تا پایان سال 2009 این رقم دست کم به 68 هزار نفر افزایش یابد که تنها به معنی مرگ و میر بیشتر، گسترش جنگ و بیهودگی بیشتر است. وی اضافه می‌کند: ما به طور اتفاقی وارد مجموعه‌ای گیج‌کننده‌ای از گروه‌های مسلح اعم از باندهای جنایتکار، قاچاقچیان مواد، شبه نظامیان پشتون و تاجیک، باندهای آدم‌ربایی، حوخته‌های مرگ و سربازان مزدور و در نهایت درگیر یک جنگ داخلی شدیم. پشتون‌ها که اکثریت طالبان را تشکیل می‌دهند، از قانونگذاران قدیمی افغانستان و در حال جنگ با ائتلاف شمال متشکل از تاجیکها و ازبکها هستند که در سال 2001 به مدد کمک‌های خارجی توانستند پیروز جنگ داخلی باشند. وی همچنین در ادامه مدعی شد: ائتلاف قدیمی شمال هم اکنون بر حکومت فاسد و بی‌کفایت حاکم که شدیداً مورد تنفر است سلطه دارد. و همراه با ما سقوط خواهند کرد.

این نویسنده آمریکایی با اذعان به اینکه جنگ افغانستان در جهت شکست نیروهای ناتو پیش می‌رود، اظهار می‌دارد: وقتی هشت سال پیش به این کشور حمله کردیم طالبان کنترل نزدیک به 75 درصد از افغانستان را در دست داشت و امروز دوباره توانسته است در 50 درصد از این کشور پیش روی کند. طالبان تجارت تریاک که دارای درآمد سالانه نزدیک به 300 میلیون است را در دست دارد. آنها بی‌شرمانه حملاتی در کابل، پایتخت این کشور، طرح ریزی می‌کنند و خارجی‌ها به خاطر ترس از آدم‌ربایی به ندرت در خیابان‌های شهرهای این کشور قدم می‌گذارند و رفتن به حومه شهر که 80 درصد از افغانی‌ها در آن قسمت زندگی می‌کنند نیز برای آنها خطر مرگ به همراه دارد مگر اینکه تحت حفاظت نیروهای ناتو قرار گیرند. با این همه خبرنگاران بی‌باک و شجاع می‌توانند در قهوه‌خانه‌های مرکز شهر در کابل با مقامات طالبان مصاحبه کنند. اسامه بن لادن، برای سرگرم کردن جهان، "ورز والدو" (مجموعه کتاب‌های کودکان Where's Waldo که در آن هدف یافتن شخصیتی با نام "والی" از میان گروهی از آدم‌کچولوها است.) خاورمیانه شده است. گلوله‌ها و بمب‌های خود را از اینجا ببرید، شما نمایش مسخره گیلبرت و سولویان هستید. (دبلیو اس گیلبرت)، نویسنده اشعار اپرا و "آرتور سولویان"، آهنگ‌ساز که در فاصله سال‌های 1871 تا 1896 در ارتباط با اپراهای کمدی با یکدیگر همکاری می‌کردند.)

این گونه به نظر می‌رسد که هیچ کس نمی‌تواند بگوید چرا ما در افغانستان هستیم. برای شکست بن لادن و القاعده؟ برای تثبیت پیشروی‌ها؟ آیا ما به طالبان اعلان جنگ داده‌ایم؟ برای برپایی دموکراسی؟ آیا ما آنجا با تروریست‌ها می‌جنگیم تا مجبور به جنگ با آنها در اینجا نشویم؟ آیا ما برای زنان افغان آزادی به ارمغان می‌آوریم؟ پوچی این سوال‌ها که تصورات کلیشه‌ای است، بیهودگی این جنگ را برملا می‌سازد. پوچی این هدف انعکاسی از اشتباهات در میدان جنگ است. ما نمی‌دانیم هدف چیست؟

به نوشته این مقاله ژنرال "استنلی مک کریستال"، فرمانده جدید آمریکا که رهبری نظامیان ناتو در افغانستان را نیز در دست

دارد، اخیراً اعلام کرده است: "نیروهای ائتلاف باید در افغانستان تغییرات فرهنگی ایجاد کنند." او با درک این موضوع که حملات هوایی که منجر به مرگ صدها شهروند غیرنظامی می‌شود یک ابزار موثر جذب نیرو برای طالبان است، می‌گوید: "آنها باید از جهت‌گیری جنگ‌طلبانه خود به حفاظت از غیر نظامیان کشورشان تغییر موضع دهند."

به نظر نویسندگان اگر چه این هدفی بزرگ است اما واقعیت جنگ مانع از تحقق آن می‌شود: وقتی نیروها تحت حمله قرار می‌گیرند از نیروهای ناتو درخواست حمایت شدید هوایی می‌شود. در واقع این کاری است که نظامیان زمانی که زیر آتش هستند انجام می‌دهند. از این رو نمی‌توانند اول از مردم محلی نظر سنجی کنند و بعداً از آنها سوال می‌شود. همانطور که در تاریخ 4 ماه می حمله هوایی به ولایت "فرخ" منجر به مرگ ده ها غیر نظامی شد که نقض نظامنامه حملات هوایی است. همین‌طور حملات هوایی هفته گذشته در ایالت قندهار که طی آن 4 نظامی کشته و 13 نفر زخمی شدند و یا مورد دیگری که در آن ناتو یک روستا در منطقه "شاوالیکوت" را هدف حملات نظامی خود قرار داد. در همین راستا خبرگزاری آسوشیتدپرس به نقل از برخی از روستاییان مجروح در بیمارستان واقع در مرکز این ولایت، آورده است: "بالگردهای مهاجم در ساعت 10:30 دقیقه شب خانه‌هایمان را بمباران کردند." مردی که نوه سه ساله‌اش را در این حمله از دست داده بود گفت: جنگ قوانین خود را دارد و غیرنظامیان تقریباً همیشه قربانیان آن هستند.

به عقیده این تحلیلگر غربی هجوم نیروهای ناتو به ولایت هلمند سناریو متداولی خواهد بود که توسط فرماندهان نظامی که از سیستم‌های تسلیحاتی و ارتش‌های متعارف بسیار می‌دانند اما چیزی از مصیبت‌های جنگ نامنظم نمی‌دانند، نوشته می‌شود: طالبان عقب نشینی و به پناهگاه‌های خود در پاکستان خواهند رفت. ما در این عملیات موفق خواهیم شد. از حضور نیروهای ما کاسته خواهد شد. و طالبان رفته رفته به مناطقی که ما آنها را پاک‌سازی کرده‌ایم باز خواهند گشت. طنین ناقوس مرگبار بمب‌های کنار جاده‌ای ادامه خواهد یافت. سربازان و تفنگداران دریایی ما ناامید از تلاش برای جنگیدن با یک دشمن گریزپا و نامرئی با خشم بیشتری به این دشمنان توهمی یورش خواهند برد و بدین ترتیب افزایش شمار قربانیان غیر نظامی ادامه خواهد یافت. در این بازی هر نسلی از مبارزان تصور می‌کنند کلید سحرآمیز این پیروزی را یافته‌اند.

نویسنده در ادامه مقاله خود آورده است: این اطمینان را حاصل کرده‌ایم که عراق و افغانستان کشورهای شکست خورده و ضعیف‌اند و پس از آن دو در فهرست ما نام پاکستان به چشم می‌خورد. پاکستان نیز به مانند عراق و افغانستان ساخت دست قدرت‌های غربی است که دارای مرزهایی ساختگی است، مرزهایی که گروه‌های قومی و قبیله‌ای با این خطوط تقسیم بندی اما در عین حال نادیده انگاشته می‌شوند. همانطور که پاکستان این مساله را روشن ساخته است که ارتشش خواهان مشروعیت بخشیدن به افراط‌گرایی است. این ارتش پاکستان بود که طالبان را بوجود آورد. این پاکستانی‌ها بودند که چگونگی اختصاص میلیاردها دلار کمک آمریکا به افغان‌ها برای مقاومت در طول جنگ علیه اشغال افغانستان توسط شوروی را مشخص کردند که تقریباً تمامی آن به افراطی‌ترین جناح جنبش مقاومت افغان رسید. به اعتقاد نویسندگان طالبان از دیدگاه پاکستان نه تنها یک ابزار موثر در شکست مهاجمین خارجی که فرقی نمی‌کند روسی باشند یا آمریکایی است که سپر دفاعی در برابر هند نیز محسوب می‌شود؛ بنیادگرایان در کابل هیچ‌گاه با هند علیه پاکستان متحد نخواهند شد. بواقع برای پاکستان، هند نگرانی عمده است نه افغانستان. فرقی نمی‌کند چند میلیارد دلار به پاکستان می‌دهیم این کشور همواره طالبان را تغذیه و از آنها حمایت می‌کند چرا که می‌داند در نهایت وارث افغانستان خواهد بود. جنگ دولت با طالبان در دره سوات پاکستان که به خوبی نیز در مورد آن تبلیغات شد به جای آنکه شروع تازه‌ای باشد قسمتی از یک بازی از پیش طراحی شده است که تاثیر در شکستن این اتحاد نخواهد داشت.

کریس هدگزر در پایان می‌نویسد: اما در این شرایط که منابع و حیات را هدر می‌دهیم، دشمن واقعی، القاعده، اقدام به ایجاد شبکه‌هایی در اندونزی، پاکستان، سومالی، سودان و مراکش کرده و جوامع مسلمان در "لیون" فرانسه و منطقه "بریکستون" لندن را سرکوب کرده است. در حقیقت برای پنهان شدن و انجام عملیات دیگر مکان‌های دور افتاده و صخره‌های شکسته لازم نیست. القاعده به افغانستان نیاز ندارد، همانطور که ما نداریم.